



یادداشت

برگزاری مراسم ختم برای قانون کار

صادق کار



هر ساله بمناسبت سالگرد تصویب قانون کار در رژیم اسلامی مراسمی تشریفاتی توسط خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و سایر تشکلهای حکومتی به نام گرامی داشت سالگرد قانون کار برگزار می شود و کارگزاران حکومتی این تشکلهای از همه ی کسانی که به نظر آنها مانع اجرای قانون کار هستند انتقاد می کنند و آنها را تهدید به عکس العمل می کنند و تا سال دیگر دنبال کار و زندگی خود می روند. این مراسم در حالی همه ساله با کیفیتی که ذکر شد در مکانهای مختلف از جمله درسالنهای وزارت کار برگزار می شود که چیزی جز نامی از قانون کار باقی نمانده و این مراسم بیشتر از آن که جشن سالگرد باشد به مراسم ختمی که خانه کارگر در حسینیه و دارلقران خود برای سید شهدا برگزار می کند، شباهت دارد. طنز قضیه آن است که مراسم اصلی در سالن وزارتخانه ای برگزار می شود که نقش عامل اجرای نابود کردن قوانین حمایتی و اجتماعی را به عهده دارد و بنی بشری را به غیر از اعضای تشکلهای حکومتی به این مراسم راه نمی دهند.

امسال این مراسم در شرایطی برگزار شد، که تظاهرات کم سابقه ای در خیابانها و میادین شهرها و مقابل مجلس و تامین اجتماعی و وزارتخانه نفت در جریان بود و از روی شعارهایی که داده می شد و مطالباتی که در هر دو سو مطرح بود تفاوت از زمین تا آسمان بود.

در تجمع دولتی خانه کارگر شعار می دادند، "نظام تامین اجتماعی پیام رهبر ماست" "وزیر خدمتگزار کارگر را نگه دار" "با اجرای دقیق قانون کار عدالت را در محیط کار متحقق کنیم". یعنی انگار خود این جماعت، نقشی برای خود در این میان قائل نبودند و همه چیز را به رهبران و کارگزاران حواله می دادند "در خیابان اما انبوه تظاهر کنندگان، شعار می دادند، "درمان رایگان، حق مسلم ماست

از خوزستان تا گیلان، مرگ بر این مدیران" اجرای همسان سازی بدون حقه بازی "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و "فساد" "سهامدار غاصب ننگت باد، ننگت باد" "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن" کارگر زندانی، ... معلم زندانی آزاد باید گردد، "مجازات اعدام لغو باید گردد" تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" و مبارزه واقعی و حق طلبانه را تظاهر کنندگان خیابانی با حضور در تظاهرات و مطرح کردن مطالبات خود با وجود تهدیداتی که از هر سو با آن مواجه بودند پیش می بردند. در واقع سالهاست که چنین است و تشکلهای حکومتی در پیگیری مطالبات کارگران نه تنها نقشی به عهده ندارند، بلکه حتی در ارتباط با نابودی و تهی کردن قانون کار از محتوا عملاً نقش دستیار دولتهای مختلف را ایفا کرده اند. هیچ دولت، مجلس و وزیر کاری که طی ۴۵ سال گذشته بر سر کار آمده نبوده که این حضرات از آنها



حمایت نکرده باشند.

یکی از کسانی که به مناسبت سالگرد تصویب قانون کار اظهار نظر کرد، حسین حبیبی عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور بود. او در قسمتی از اظهار نظر خود گفت: چرا اتاق بازرگانی، کانون کارفرمایان، دولت و مجلس و حتی بعضی از به اصطلاح فعالان کارگری به دنبال اصلاح قانون کار هستند؟ قانون کار ایران مبتنی بر قانون اساسی و محدودی قوانین بین المللی است که تاکنون مثلث دولت و کارفرما و مجلس مانع اجرای آن شده‌اند، ولی چرا؟ پاسخ مشخص است چون نمی‌خواهند کارگران اراده حق‌خواهی داشته باشند، برای اینکه می‌خواهند همیشه بر کارگران سلطه داشته باشند و کارگران سلطه‌پذیر بمانند

حرف‌های نادرستی زده است، اما ایرادی که به او و دیگر رهبران شوراهای اسلامی حکومتی وارد است، این است که همه اینها از محجوب و حسن صادقی گرفته تا خود حسین حبیبی در نابودی و بی‌اثر سازی چند مواد حمایتی موجود در قانون کار، با حمایت از مجلس و همه ی دولتهای ضد کارگری، از رفسنجانی گرفته تا پزشکیان که هر کدام شان سهمی در بی حقوق سازی نیروی کار به عهده داشته‌اند و با رویکرد انفعالی خود در قبال تعرضات آنها نقش داشته‌اند. هنوز کارگران نامه‌های فدایت شوم آقای حبیبی خطاب به رئیسی جلاد و روسای دیوان عدالت اداری، عدالت ستیز و توهماتی را که در مورد آنها اشاعه داد از خاطر نبرده‌اند. این همه اعتراض و اعتصاب کارگر شاغل و بازنشسته مدتهاست در کشور ساری و جاری است، اما حتی یک بار هم نشده رهبران شوراهای اسلامی شهامت رفتن به میان آنها را بخود بدهند و به آنها بگویند، ما هم با شما هستیم

حسین حبیبی در جای دیگری از تشکل مستقل دم می‌زند، اما خود را به نادانی میزند و به روی مبارک خود نمی‌آورد، که چگونه شوراهای اسلامی در سرکوب شوراهای اول انقلاب، سندیکاها، کارگر، در اشغال خانه کارگر و سندیکاها و تعاونی‌های صنوف، در سرکوب سندیکای واحد و هفت تپه با همان جریاناتی که از ابتدا دشمن قانون کار و حق و حقوق کارگر و مسبب وضعیت امروز بودند مشارکت فعال داشتند.

قانون کار مصوب ۲۹ آبان ۶۹ به هیچ روی قانون مطلوب طبقه کارگر و منطبق با شرایط زمانه نبود و از بعضی جهات از قانون کار پیش از انقلاب عقب مانده‌تر است. اما بواسطه حضور نیرومند شوراهای سازمانهای کارگری در یکی دو سال بعد از انقلاب و فضای سیاسی آن زمان، مجبور شدند امتیازاتی هم برای کارگر در آن قائل شوند که در قانون کار قبل از انقلاب وجود نداشت. البته امتیازاتی دادند و امتیازاتی را نیز از کارگر گرفتند.

همین قانون پر تناقض و پر قید و شرط را پس از سرکوب خونین شوراهای سندیکاها و سازمانهای کارگری و در سایه حاکمیت اختناق توانستند به طبقه کارگر تحمیل کنند. این قانون نتیجه یک دوره ۱۲ ساله سرکوب همه جانبه مردم بود و سرانجام دوسال بعد از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توانستند آنرا در مجلس تشخیص مصلحت نظام آنهم به رغم مخالفت شورای نگهبان و جنتی به تصویب برسانند

رئیس‌ی یعنی همان کسی که حسین حبیبی از او دفاع می‌کرد و عنصر ضد کارگری مانند صولت مرتضوی را وزیر کار خود کرد، یکی از اعضای موثر گروه مرگی بود که کشتار هزاران نفر از نیروهای اکثر مدافع حقوق کارگر و عدالت را به اجرا درآورد

بله آنها را کشتند تا راه تصویب قانون کار مد نظرشان را صاف کنند و بخش‌های مثبت همین قانون پر تناقض را نیز بعد از محتوی تهی کنند و چنین کردند. مسلم است که طبقه کارگر بدون متشکل کردن خود در تشکلهای مستقل، نه می‌توانست در تدوین و تصویب قانون کار اثر داشته باشد و نه قادر بود جلوی تعرض سرمایه داری رانتخوار حاکم بر حقوق کارگر را بگیرد. تشکیل شوراهای اسلامی ارتجاعی و خانه کارگر



بواسطه سرسپردگی شان به حکومت طبیعی بود که نتوانند مانع از سرکوب طبقه کارگر و از میان برداشتن قوانین حمایتی شوند. اظهارات رهبران این تشکله‌ها در ۳۴ سالگی تصویب قانون کار در واقع تأییدی است بر سرسپردگی خود آنها به حکومت و کارنامه سیاهشان. بی دلیل نیست که کارگران سالهاست به حرفهای آنها اعتنا و اعتماد نمی کنند. مگر می شود با حکومت ضد کارگری همکاری تنگاتنگ داشت و در همان حال از نابودی قانون کار توسط چنین حکومتی گله و شکایت کرد؟

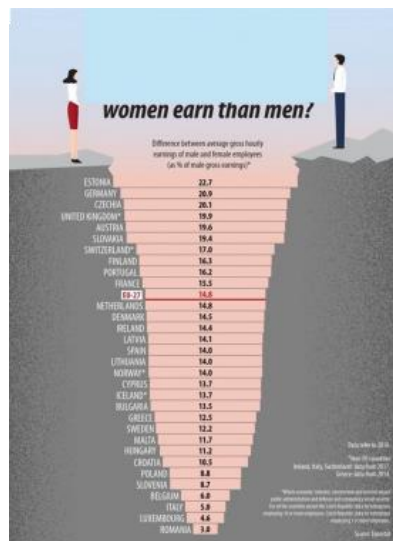
**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن
پیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**

نابرابری جنسیتی در محیط کار بخش پنجم

تحلیلی در باره پیامدهای کلیشه‌ها، شکاف جنسیتی در دستمزد، و غیبت زنان در موقعیتهای رهبری کننده برای کل جامعه

کاتلین بارگر





شکاف دستمزد - ادامه 2.2

گفته شد که برای بررسی علل وجود شکاف دستمزد، می توان پنج عامل را برشمرد: قانون دستمزد برابر، تفکیک شغلی، فداکاری‌های مالی، تفاوت‌های حرفه‌ای، و نیز تبعیض نژادی. پیشتر "قانون دستمزد برابر" توضیح داده شد. اینک توضیح علل دیگر

ب. تفکیک شغلی

یکی از موانع بزرگ در بحث شکاف دستمزد، این فرضیه است که زنان معمولاً مشاغلی با دستمزد کمتر، مانند معلمی، را انتخاب می‌کنند. اما واقعیت این است که این گزینه‌ها اغلب به دلیل هنجارهای کلیشه‌ای و دشواری ورود به حوزه‌های کاری دیگر که عمدتاً تحت سلطه مردان اند، در اختیار آنان قرار می‌گیرند. پ. فداکاری‌های مالی

در بسیاری از موارد، مردان خانوار حقوق بیشتری نسبت به زنان دریافت می‌کنند و از این رو خانواده‌ها به سوی کسب حداکثر درآمد ممکن سوق می‌یابند. کارفرمایان معمولاً ساعات کاری زنان را کاهش می‌دهند و این انتخاب آزادانه را محدود می‌کنند. به دلیل این کاهش ساعات کاری، از نظر مالی احتمال بیشتری وجود دارد که خانواده شغل مرد را برای تأمین 100 درصد درآمد ترجیح دهد و زن در خانه بماند. گاهی اوقات زنان از شغل خانه‌داری لذت می‌برند، اما در موارد دیگر مجبور به این کار می‌شوند، چرا که در اغلب مواقع بعید است که مرد شغل با درآمد بالاتر خود را ترک کند.

ت. تفاوت‌های حرفه‌ای

یکی از دلایلی که برای انکار وجود شکاف دستمزد مطرح می‌شود این است که این شکاف به تفاوت در حوزه‌های کاری مردان و زنان نسبت داده می‌شود. گویا اغلب زنان در به هر دلیل ممکن در مشاغلی با دستمزد کمتر فعالیت دارند. مشکل اینجاست که حتی زمانی که زنان و مردان دقیقاً در یک حوزه کاری و در یک موقعیت شغلی مشابه مشغول به کار اند، مردان به طور متوسط حقوق بیشتری دریافت می‌کنند. اگر این مسئله تنها به تفاوت‌های حرفه‌ای محدود می‌شد، قابل درک بود، اما این موضوع در تمامی مشاغل مشاهده می‌شود.

ث. تبعیض نژادی

شکاف دستمزد جنسیتی به‌طور غیرمستقیم زنان رنگین‌پوست را بیشتر از زنان سفیدپوست تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سال 2017، زنان لاتین‌تبار 47 درصد و زنان سیاه‌پوست 39 درصد کمتر از مردان سفیدپوست حقوق دریافت می‌کردند. این شکاف‌های دستمزدی بسیار گسترده‌تر از شکاف میانگین زنان سفیدپوست است. این مسئله نه تنها بیش از نیمی از جامعه [زنان]، بلکه خانواده‌های دارای تنوع نژادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمامی مشکلات پیشگفته برای افراد رنگین‌پوست شدت بیشتری دارد، به همین دلیل درک این موضوع بسیار مهم است.

رهبری فعلی 2.2

تعصبات ضمنی که در جامعه وجود دارد، بر تصویر رهبری معمول تأثیر می‌گذارد. افراد معمولاً تصور می‌کنند که رئیس آن‌ها یک مرد سفیدپوست، دگرجنس‌گرا و قوی با تفکر منطقی است که تمام زندگی خود را وقف کار کرده است. هدف این نیست که بگوییم این تصویر لزوماً اشتباه است، بلکه مشکل در این است که فرض شود این تنها تصویر ممکن است که به ذهن افراد خطور می‌کند. ذهن انسان تمایل دارد برای تسهیل فرآیند آشنایی با افراد، تصویری اولیه از آن‌ها در اختیار داشته باشد.

این تعصبات به دلیل وضعیت فعلی رهبری اهمیت پیدا می‌کنند. زنان در حال شکستن حوزه‌های تحت سلطه مردان اند، اما با موانع بزرگی روبه‌رو می‌شوند که امکان پیشرفت در حرفه‌شان را محدود می‌کند: »



تنها 5 درصد مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ فناوری، مانند اپل و گوگل، که از سریع‌ترین شرکت‌های در حال رشد در جهان، و پیشتاز نوآوری در طراحی و توسعه اند، زن اند». این آمار نگران‌کننده نشان می‌دهد که اوضاع به‌اندازه‌ای که انتظار می‌رود تغییر نکرده است. با این که تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی اکنون از مردان بیشتر است، اما تسلط معمول رهبری مردانه تغییر چشمگیری نکرده است. نتایج یک بررسی در باره آینده رهبری زنان در شرکت‌های «فورچون 500»، نشان داد که «در سال 2015 میانگین درصد زنان در هیئت مدیره 20.2 درصد بود و در صورت ادامه روند به روالی که از سال 2010 تا 2015 جاری بوده، در سال 2030 به 25.6 درصد خواهد رسید». این داده‌ها نشان می‌دهند که جامعه در حال پیشرفت است، اما با سرعتی بسیار کند، به طوری که چندین دهه طول می‌کشد تا در محیط‌های کاری، حتی با وجود سیاست‌های موجود، برابری حاصل آید. ممکن است انسان‌ها دیدگاه‌های کلیشه‌ای اولیه‌ای نسبت "مقامات" و حضور زنان در قدرت داشته باشند، اما این مسئله می‌تواند به‌زودی از بین برود یا حداقل کاهش یابد، اگر توزیع برابری از مردان و زنان در موقعیت‌های مشابه وجود داشته باشد. حضور بیشتر زنان در محیط کار می‌تواند ادراک عمومی از زنان در موقعیت‌های قدرت و تأثیری که این موضوع بر خانواده‌ها خواهد داشت را تغییر دهد. رهبری فعلی نماینده طیف وسیع ایده‌ها در این باره نیست و این وضعیت به‌راحتی می‌تواند تغییر کند.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

باید صد کارگر معدن کشته می شد تا شما بفکر می افتادید؟

پشت پرده وعده افزایش دستمزد کارگران معادن ذغال سنگ

ع امید





بعد از کشته شدن دردناک ۵۳ کارگر معدن "معدنجو" و مصدوم شدن عده دیگری از آنها در اثر عدم رعایت قوانین ایمنی و نبود وسایل حفاظتی، وزارت کار برای خواباندن اعتراضات خانواده های جان باخته به آنها قول پرداخت خسارت و خانه داد بلکه عواملی که این فاجعه را رگم زد و یکی از آنها خود این وزارتخانه بود، از مجازات برهاند.

بدنبال آن کارگران یکی دیگر از معادن ذغال سنگ که قبلا عده‌ای از همکاران خود را در اثر فاجعه مشابه‌ای از دست داده بودند و محل کار آنها خطرناک مانده بود، با نایمن خواندن معدن اعتصاب کردند و گفتند در "معدن نا امن نمی توانند کار کنند. (حق دانستن و حق امتناع از کارهای خطرناک یکی از علل این اعتصاب افشاگری یکی از بستگان نزدیک یکی از جان باختگان بود که گفته بود کارگران در مورد خطر انفجار به مسئول معدن تذکر داده بودند، اما مسئول مربوطه به آنها گفته بود هرکس نمی خواهد داخل معدن بشود، تصفیه حساب کند و به خانه اش برود.

شعار در جایی که تامین جانی نداشته باشیم کار نمی کنیم، در واقع بازتاب این افشاگری در میان کارگران معادن ذغال سنگ بود. ادامه نا آرامی و اعتراضاتی که بعد از فاجعه معدنجوی طیس رخ داد، ظاهر باعث شد تا بگویند حداقل ۷ معدن ناامن را تعطیل کرده‌اند و قصد تهیه آیین نامه‌ای برای رعایت ایمنی در معادن را دارند. اما در هنگام انتشار خبر یکی از کارگران مصدوم از باز شدن مجدد همان معدن محل فاجعه بدون هیچ تغییری در آن خبر داد. ذکر این چند مورد از آن جهت ضروری بود که نشان بدهم روی حرفها و قول و قرارهای مدیران ارشد وزارت کار و شخص وزیر نمی شود حساب باز کرد.

کما اینکه در همین مدت که میدری در راس وزارت کار قرار گرفته کم خلف وعده نکرده است. حالا به گزارش خبرنگار ایلنا، ۲۲ آبان، اولین نشست رسمی شورایی عالی کار در دولت چهاردهم با دو دستور کار "اصلاح نظام جبران خدمت کارگران معادن ذغالسنگ و بررسی آیین‌نامه حق دانستن و حق امتناع از کارهای خطرناک، برگزار شد.

یکی از وعده‌های جناب وزیر افزایش حقوق کارگران معدن بود، حالا که موضوع افزایش حقوق در شورای عالی کار مطرح شده، مشخص شده، که در واقع در تمام سالهای قبل از فاجعه کشته شدن ۵۳ کارگر، بخشی از حقوق قانونی کارگران از آن جمله حق سختی کار در تونل و حق پایه کامل به کارگران داده نمی شده.

پس از مشخص شدن این تخلفات وعده داده‌اند که پایه حقوق را که تا کنون از ۴ تا ۸ بوده و بقول نماینده کارگران در شورای عالی کار می بایست ۶ پایه بیشتر شود. دستمزدها را نیز گویا قصد ندارند بطور مستقیم افزایش دهند. در عوض وعده داده‌اند طرح طبقه بندی را که ناقص اجرا می شده اصلاح کنند و بابت یک ساعت اضافه کار کارگران به آنها دستمزد بدهند. این یک ساعت هم در واقع بابت یک ساعت کار کمتری است که بابت سختی کار به کارگر تعلق می گیرد و تا حالا کارفرما بابت آن پولی به کارگر نمی داده است.

نماینده کارگر در شورای عالی کار "اما ببینید، چطور موضوع این یک ساعت را پیچانده تا معلوم نشود، آنچه به کارگر تعلق گرفته حقوقی است که قانونی بوده و سالها به کارگر داده نمی شده و حالا قرار است از این پس مشروط به تأیید آن در شورای عالی کار به کارگر پرداخت شود! یعنی یک حق مسلم قانونی را از کارگر گرفته و سالها بابت آن به کارگر بدهکار هستند، حالا باید شورای عالی کار در مورد دادن و ندان بدهی کارفرما نظر بدهد.

آقای باقری که ظاهراً بعد از بروز اختلاف بین نماینده سابق شوراهای اسلامی در شورای عالی کار و اخراج بی سروصدای وی توسط وزیر کار دولت رئیسی جای گزین وی شد به نظر می رسد بیشتر از آنکه کارگران را در شورای عالی کار نمایندگی کند، کارفرمایان را نمایندگی می کند.



یکی دیگر از راهکارهای بهبود وضعیت مزدی و شغلی کارگران معدن، «کاهش ساعت کاری موظف» است؛ باقری در این رابطه می‌گوید: وقتی ساعت کار موظف کارگران معادن کاهش یابد، اضافه‌کارشان افزایش می‌یابد؛ یک ساعت از کار موظف کم شود، یک ساعت به اضافه‌کار کارگران افزوده می‌شود و همین امر دریافتی آن‌ها را افزایش می‌دهد و دستمزدشان ترمیم می‌شود می‌بینیم در صحبت‌های وی اثری از افزایش دستمزدی که وزیر کار وعده اش را داد نیست و هرچه هست. مشتکی وعده سر خرمن است.

خوب که در صحبت‌های این به اصطلاح نماینده کارگر تمرکز می‌کنیم متوجه می‌شویم نهایت آن چیزی که به نام افزایش دستمزد کارگران معادن، وعده داده‌اند، (البته اگر به تصویب شورای عالی کار برسد و به آن پایبند بمانند) همان مبلغی است که قانوناً به کارگر تعلق می‌گرفته ولی سرمایه دار صاحب معدن آن را تا کنون به کارگر نمی‌داده است" این آن ترفندی است که پشت پیشنهاد جناب وزیر قرار دارد و بابت آن منت بر سر کارگر می‌گذارد.

یکی نیست از این وزیر و "نماینده" برسد حتمی باید بیش از صد کارگر معدن کشته می‌شدند تا شما تصمیم می‌گرفتید کارفرما را مقید به پرداخت بخشی از حقوق قانونی کارگران اش که سالها از آنها دریغ شده بود کنید؟

خدا شما خدمتگزاران صدیق صاحبان سرمایه و قدرت را برای آنهایی که شما را به چنین مقامهایی رسانده‌اند نگه دارد

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته
باشند!**

علی ربیعی و تشخیص دیر هنگام بحران رژیم

صادق





در میانه این هفته در حالی که تظاهرات پیاپی بازنشستگان در خیابانهای شهرها و مقابل نهادهای حکومتی و کثرت تظاهرات توجه عده زیادی از مردم را به خود جلب کرده بود، علی ربیعی مشاور اجتماعی پزشکین که سر راهش به تظاهرات بازنشستگان شرکت نفت مواجه شده بود، در تلگرام خود نوشت، این وضعیت نتیجه انکار و پنهان کردن مسایل زیر فرش در گذشته است. (نقل به معنی)

علی ربیعی معاون اسبق وزارت اطلاعات، وزیر کار دولت روحانی و کسی که در سرکوب تشکلهای کارگری و تبدیل خانه کارگر به تشکیلاتی همدست وزارت اطلاعات نقش داشت، با اینکه با گفتن جمله مورد اشاره تلاش در انکار نقش خود در پیدایش وضعیت کنونی دارد، خود در جارو کردن و پنهان نمودن مشکلات زیر فرش دست کمی از هیچ یک از مقامات دیروز و امروز دولتی نداشته و ندارد.

او ممکن است انتظار کشیده شدن دامنه اعتراضات بازنشستگان به میان بازنشستگان نفت را نداشته است، اما از معاون اول سابق وزارت اطلاعات نمی توان پذیرفت که از آنچه در عمق جامعه می گذشته و حالا به رو آمده و نسبت به علل و عوامل آن بی اطلاع و برایش غیر قابل پیشبینی بوده است.

معمول است زمانی که اعتراضات اجتماعی در جامعه شدت می گیرند و با سرکوب و شیوههای تبلیغاتی گذشته و دادن وعده حکومت نه قادر به مدیریت اعتراضات است و نه اساسا امکان پاسخگویی به مطالبات را دارد، تعدادی از مقامات حکومتی هم تلاش کنند با گرفتن موضع انتقادی نقش خود را در پیدایش پیشامدهای اجتماعی و سیاسی پنهان کنند. بعضی ها نیز ممکن است از مسئولیتی که به عهده دارند، استعفا بدهند و حتی به صف مخالفین و معترضین بپیوندند، پدیده‌ای که به موازات انکشاف بحران های مختلف در مورد تعدادی از وابستگان پیشین رژیم رخ داده است. اما ربیعی از آن دسته نیست و احتمالا به مانند بسیاری از مقامات نان به نرخ روز خور حکومتی، خودش را در پیشامد وضعیت فعلی مقصر نمی داند.

وضعیت کنونی بیش از هر چیز ریشه در استبداد و فساد حاکم و استیصال و ناتوانی حکومت در اداره کشور دارد. رژیم بعد از مهندسی "انتخابات" و بر کشیدن رئیس جمهور مطیع خامنه‌ای به دایره قدرت تلاش کرده با ایجاد "وفاق" میان تعدادی از جریانات محافظه کار ذوب در ولایت و اصلاح طلبان محافظه کار حکومتی بحران های خود را با تظاهر به ملایمت در داخل و خارج مدیریت کند. اما عمق بحرانها و فشار سنگین آنها روی دوش مردم خاصه طبقات کارگر و زحمتکش به حدی است که از تحمل آنها خارج است. این واقعیتی است که در اعتراضات به حق بازنشستگان و اعتصابات کارگران منعکس است و وقتی کارگران ثروتمندترین صنعت ایران، بازنشستگان، ارتش و نیروهای مسلح به اعتراضات خیابانی بازنشستگان، فرهنگی، کشوری، تامین اجتماعی و به اعتراضات و اعتصابات پرستاران و کارگران می پیوندند برای شخص با سابقه و کار کشته‌ای مانند علی ربیعی حکم آژیر خطر را دارد و طبیعی است که چنین واکنشی را در او بوجود آورد.

سرکوب بر خلاف وعده‌های فریبکارانه پزشکین و هواداران وی و وعده ملایمت در برخورد با مردم نه تنها تداوم پیدا کرده بلکه به شدت تشدید شده است. با این وصف تشدید سرکوب به عنوان حربه اصلی رژیم برای مهار بحران نه تنها مانع از گسترش و رادیکالیزه تر شدن اعتراضات نشده، بلکه آشکارا اثر خود برای مهار اعتراضات اجتماعی را از دست داده است.

این در حالی است که با آغاز اثرات گرانی ها و تورم و کاهش فزاینده ارزش پول ملی فشار موجود بیش از پیش تشدید خواهد شد و پا به پای آن اعتراضات کارگری و اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد و از سطح مطالبات صرفا صنفی و معیشتی فراتر خواهد رفت. کما اینکه نشانه‌هایی از این مسئله را در تعدادی از تجمع ها که در کنار شعارهای صنفی، خواهان لغو احکام اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و مدنی، مخالفت با جنگ، فساد، بی عدالتی و سرکوب قابل مشاهده است و هرچه می گذرد رابطه این مسائل با فقر و سرکوب دستمزدها برای توده مردم بیشتر روشن می شود و ترکیب اعتراضات خیابانی هم از نظر جنسیت و هم تنوع غنی تر می شود. نگاهی به ویدئوهایی که از تظاهرات روز سه شنبه بازنشستگان فرهنگی



منتشر شده، هم حضور گسترده زنان را نشان می دهد و هم حضور زنان چادری بیشتر مذهبی را. حضور این گروه از زنان در اعتراضات در عین حال که به تنوع اعتراضات غنا می بخشد، حاکی از ظریفیت آنها برای همراه کردن سلیقه های مختلف حول مطالبات عمومی و طبقاتی است. تظاهرات بازنشستگان همچنین ظرفیتی ایجاد می کند برای پیوستن مردم ناراضی که در فضای کنونی نمی توانند مستقلانه با برگزاری تظاهرات مطالبات خود را مطرح و برای آن مبارزه کنند. شرکت غیر بازنشستگان و کارگران و دانشجویان و سایرین در تجمع های بازنشستگان به سود بازنشستگان هم هست و راه را برای اعتراضات ترکیبی آسانتر می کند. در واقع ظرفیت سیاست تشدید سرکوب برای مهار بحران های رژیم و سرکوب اعتراضات اجتماعی در حال سر ریز شدن است و نمی تواند مدت زیادی دوام بیاورد. وقتی بعد از آن همه اعمال سرکوب و جنایت وادار کردن زنان به رعایت حجاب اجباری به بن بست رسیده است، یقین بدانیم سرکوب و امتناع از پذیرش مطالبات زحمتکشانشان که مبارزات شان وارد مرحله مبارزه برای نان و بقا شده است، نمی تواند مانع مبارزات حق طلبانه آنها گردد. نگرانی علی ربیعی از گفتن: جارو کردن مشکلات زیر فرش از بابت همین وضعیت است



تجمع کارکنان بیمارستان امام خمینی اهواز / پرستاران دور سفره‌ی خالی نشستند
کارکنان بیمارستان امام خمینی اهواز در اعتراض به عدم توجه به مطالباتشان دست از کار کشیده و تجمع کردند.

افزایش حقوق متناسب با تورم، برقراری فوق‌العاده خاص و اجرای دقیق قانون تعرفه‌گذاری پرستاری، از جمله مطالبات کلیدی این پرسنل است



جمع سراسری بازنشستگان مخابرات ایران

جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران در استان‌های مختلف کشور تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران صبح امروز (دوشنبه ۵ آذرماه) در کردستان، کرمانشاه، همدان، تهران، اصفهان، زنجان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، فارس، هرمزگان و برخی دیگر از استان‌ها تجمع کردند.

عدم اجرای بدون تنازل آئین‌نامه رفاهی ۸۹، فریز مطالبات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد، عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان ۹٪ بعد از خصوصی‌سازی، از جمله مطالبات و موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است.



اعتراض صنفی کارگران ارکان ثالث نفت گچساران

شماری از کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران، تجمع صنفی ترتیب دادند.

شماری از نیروهای ارکان ثالث شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز (چهارم آبان) خبر دادند.



این نیروها که در محوطه شرکت جمع شده‌اند، می‌گویند به مطالبات مان رسیدگی نشده و به حال خود رها شده‌ایم.

حذف شرکت‌های پیمانکاری، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت مادر و برقراری عدالت مزدی، مهم‌ترین مطالبات این کارگران نفتی‌ست که انتظار دارند پاسخ مناسب از سوی مسئولان دریافت کنند.



تجمع بازنشستگان کارگری در چند شهر/ از متناسب‌سازی خیری ندیدیم!

بازنشستگان کارگری در چند شهر تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (چهارم آبان) بازنشستگان کارگری در چند شهر از جمله کرمانشاه، شوش و اهواز، در اعتراض به وضع معیشتی خود اعتراض کردند.

بازنشستگان مقابل ادارات تامین اجتماعی، خواستار بهبود وضع معاش و ترمیم مستمری‌ها بر اساس خط فقر شدند.

یک بازنشسته شوش می‌گوید: از متناسب‌سازی خیری ندیدیم؛ بعد از چندین ماه تبلیغات، آورده‌ی آن زیر یک میلیون تومان بوده است! خواسته ما اجرای ماده 96 قانون تامین اجتماعی‌ست.



به نام بازنشستگان و به کام دولتمردان

محمود بهشتی لنگرودی 🇮🇷



سال‌هاست که بازنشستگان، با وعده‌هایی بی‌سرانجام و سیاست مدارانی ناکارآمد دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سال گذشته، با تصویب و اجرای افزایش یک درصدی ارزش افزوده در بودجه سال ۱۴۰۳، اعلام شد که منابع مالی برای اجرای همسان‌سازی حقوق، از این مجرا تامین می‌شود اما با کمال تاسف، بار دیگر شاهد آن هستیم که منابع حاصل از این تصمیم به جای اختصاص به بازنشستگان، در اموری دیگر مصرف شده است.



تقاضای تجدیدنظرخواهی اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی توسط شعبه ۳۱ تجدید نظر رد و حکم بدوی تایید شد.

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته که در تاریخ ۱۸/۴/۱۴۰۳ در دادگاه ۲ کیفری بابت اخلال در نظم عمومی از طریق تجمعات بازنشستگان محاکمه و به ۲۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده بود، پس از اعتراض در دادگاه شعبه ۳۱ تجدیدنظر استان تهران عینا تایید و ایشان محکوم به واریز این مبلغ به صندوق دولت هستند.

اسماعیل گرامی در حال حاضر از بابت پرونده دیگری محکوم به یکسال زندان هستند و حدود ۱۰۰ روز از حبس ایشان گذشته است.



آذر ماه، جمعی شامل اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، فعالین بازنشستگی و معلمی در دیداری ۲ صمیمانه و خانوادگی با همسر داود رضوی، عضو هیئت‌مدیره سندیکا و کارگر زندانی، گرد هم آمدند. این



دیدار در فضایی گرم و همدلانه برگزار شد و فرصتی برای همبستگی با خانواده این فعال صنفی فراهم آورد.



درخواست آزادی اعضای سندیکا ابراهیم مددی، داود رضوی و فعال بازنشستگان اسماعیل گرامی در تجمع بازنشستگان شوش

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>